

تأثیر جهانی‌شدن بر فقر در کشورهای درحال توسعه

علی فقه مجیدی^۱، زهرا ضرونی^۲، شهلا صمدی پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

چکیده

جهانی‌شدن به عنوان یک واقعیت گریز ناپذیر از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده که هر کدام از این ابعاد می‌توانند اثرات متفاوتی بر فقر داشته باشند. در این پژوهش اثر جهانی‌شدن بر فقر در کشورهای درحال توسعه با طبقه‌بندی درآمدی بالاتر و پایین‌تر از متوسط در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جهانی‌شدن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین اثر منفی و معنی‌داری بر افزایش فقر دارد. همچنین، جهانی‌شدن اجتماعی و سیاسی در کشورهای با درآمد بالاتر اثر معنی‌داری بر فقر ندارد، ولی جهانی‌شدن اقتصادی اثر منفی و معنی‌دار بر افزایش فقر داشته است.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، فقر، کشورهای درحال توسعه، داده‌های ترکیبی

طبقه بندی JEL: C23.L30.F15

۱. استادیار، علوم اقتصادی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه کردستان **Email:** a.f.majidi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه کردستان **Email:** zahrazarouni@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه کردستان

Email: Samadipour_0098@yahoo.com

مقدمه

جهانی شدن از مهم ترین موضوعات در عصر حاضر است، که ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به خود مشغول ساخته است. در تعریف دقیق جهانی شدن اتفاق نظری بین دانشمندان وجود ندارد، زیرا این پدیده به حد نهای تکامل خود نرسیده است و هر روز بعد تازه های از ابعاد گوناگون آن نمایان می شود. به طور کلی، جهانی شدن، عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرایندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت ها در هر بخش از جهان، می تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش های دیگر کره زمین داشته باشد (Martin and ele, 2002: 16)

به طور کلی جهانی شدن دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. جهانی شدن اقتصاد بر تحرک فزاینده نیرو کار، سرمایه و تکنولوژی، گسترش تجارت بین المللی به معنای به هم پیوستگی روزافزون بازارها و گسترش ارتباطات تأکید دارد. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و تنوع مبادلات کالاها و خدمات و افزایش جریان سرمایه بین المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی می شود (Nawazish, 1998: 19). یکی از موارد بحث انگیز در ادبیات جهانی شدن، اثر آن بر شرایط زندگی گروه های درآمدی و یا به طور روشن تر، بر فقر و توزیع درآمد میان گروه های درآمدی است. بعضی از دانشمندان بر این باورند که بین کاهش فقر و آزادسازی تجارت رابطه مثبت وجود دارد و از سوی دیگر برخی مانند بهاسین¹ نیز به ارتباطی منفی بین آنها دست یافتند. با این حال بسیاری از اقتصاددانان عقیده دارند که در درازمدت اقتصادهای باز بهتر از اقتصادهای بسته عمل می کنند؛ اما همچنان بیم آن می رود که در کوتاه مدت آزادسازی تجاری به گروه های فقیر در اقتصاد بیشتر صدمه بزند و حتی در بلندمدت با وجود موفقیت رژیم های باز، ممکن است بعضی از مردم فقیر باقی بمانند. این در حالی است که در حال حاضر درصد بالایی از خانوارها زیر خط فقر قرار دارند. از دیدگاه اگنور² فرایند جهانی شدن می تواند ریسک، هزینه های اجتماعی و اقتصادی در پی داشته باشد. وینتر³ معتقد است که ساختار بازار کار در یک کشور موجب اثر معکوس آزادسازی بر فقر گردد. از این رو لازم است با دقت بیشتری به بررسی اثر جهانی شدن بر روی فقر پرداخته شود. با توجه به این مباحث در این پژوهش جنبه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین گروه بندی درآمدی کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته است.

1 Bhasin(2005).

2 Agenor, P.R. (2002).

3 Winters, L. A. (2000)



۱. پیشینه پژوهش

آندرس برگ و تیرز نیلسون^۱ (۲۰۱۴) اثر جهانی شدن بر فقر را با استفاده از روش پانل دیتا در دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۳ مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان می‌دهد که یک همبستگی منفی بین جهانی شدن و فقر وجود دارد؛ یعنی با افزایش جهانی شدن فقر کاهش می‌یابد.

آشیش بارادویچ^۲ (۲۰۱۴) به بررسی اثر روند جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر فقر با استفاده از روش پانل دیتا برای ۳۵ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که اگر سیاست‌گذاری و نظارت درست صورت نگیرد جهانی شدن باعث افزایش فقر می‌شود.

مارکل و الماس^۳ (۲۰۰۶) اثر جهانی شدن بر فقر را با استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون مقطعی برای ۶۵ کشور بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که بین جهانی شدن، فقر و نابرابری رابطه وجود دارد. و جهانی شدن باعث کاهش فقر و نابرابری می‌شود.

اچ‌هانسون^۴ (۲۰۰۵) اثرات جهانی شدن بر درآمد نیروی کار و فقر در مکزیک را با استفاده از رگرسیون خطی بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که درآمد نیروی کار در مناطق نزدیک آمریکا نسبت به مناطق دورتر از آن، افزایش بالاتری را نشان می‌دهد.

بهاسین و همکارانش^۵ (۲۰۰۵) اثرات حذف مالیات‌های تجاری را بر فقر در غنا مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش حذف کامل تعرفه‌های وارداتی برای همه واردات همراه با افزایش صددرصدی مالیات بر ارزش افزوده فقر را کاهش می‌دهد و از طرفی حذف کلیه مالیات‌های صادرات و افزایش صددرصدی مالیات بر ارزش افزوده فقر را افزایش می‌دهد.

الکس درهر^۶ (۲۰۰۳) به مطالعه اثرات جهانی شدن بر فقر در ۱۲۳ کشور در حال توسعه با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است جهانی شدن با فقر رابطه دارد به این صورت که با افزایش جهانی شدن فقر کاهش می‌یابد.

دوروش و همکاران^۷ (۲۰۰۰) اثرات آزادسازی تجاری و نرخ مبادله را بر فقر در کشور کامرون، گامبیا، ماداگاسکار و نیجریه بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ مبادله و تجارت به نفع خانوارهای فقیر در مناطق شهری و روستایی است.

سشمانی^۸ (۱۹۹۹) اثرات آزادسازی بازار به عنوان یکی از مفاهیم جهانی شدن مواد غذایی را بر روی فقر و امنیت غذایی در کشور زامبیا مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تا هنگامی که

1 Bergh, A. & Nilsson, T.

4. Hanson, Gordon H.

7. Dorosh et al.

2. Ashish Bharadwaj

5. Bhasin, et al.

8. Seshamani.

3. Marcel, N. & Almas H.

6. Dreher, Axel.



کشاورزان خرده‌پا با وضعیت فعلی به تولید بپردازند و ماده غذایی عمده مورد مصرف نیز ذرت باشد، نمی‌توان به تأمین امنیت غذایی و کاهش فقر پس از آزادسازی امیدوار بود.

میدانی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی وجود ارتباط بین فقر جهانی شدن اقتصاد و نحوه تاثیر گذاری جهانی شدن اقتصاد بر فقر در ایران طی دوره زمانی (۱۳۸۳-۱۳۶۳) با استفاده از مدل‌های رگرسیونی به روش، همجمعی انگل-گرنجر پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهانی شدن اقتصاد رابطه معنی دار و مثبتی (هم جهت) بر فقر در ایران دارد و جهانی شدن اقتصاد یکی از علل فقر است و فقر نیز علت عدم موفقیت در جهانی شدن اقتصاد است.

اکبریان و حقیقی (۱۳۹۰)، به بررسی تاثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر در ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۵ با استفاده از روش خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی پرداختند. نتایج الگوهای کوتاه مدت و بلندمدت نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در کوتاه مدت باعث کاهش فقر شده اما بر نابرابری بی‌تاثیر بوده و باز بودن اقتصاد نیز از طریق مستقیم (اثر بر توزیع درآمد) و غیر مستقیم (رشد اقتصادی) باعث کاهش فقر شده است.

فقه مجیدی و علی مرادی افشار (۱۳۹۱)، به بررسی اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو امانا در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۹ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که جهانی شدن اقتصاد رشد اقتصادی را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا افزایش داده است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۷) به ارتباط میان جهانی شدن و فقر در ایران با استفاده از الگوی راولیون^۱ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش همگرایی ایران به سوی اقتصاد جهانی علی‌رغم کاهش شکاف فقر در میان خانوارهای شهری بر خانوارهای روستایی، اثر نامطلوب دارد. بنابراین، باید الگوهای مطالعه فقر در میان خانوارهای شهری و روستایی به صورت تفکیکی مورد استفاده قرار گیرد.

یزدانی بروجنی (۱۳۸۵) در پژوهشی به ارتباط میان جهانی شدن و فقر از کانال تحرک و آزادسازی سرمایه پرداخته است. این تحرک، علاوه بر ایجاد محدودیت برای نیروی کار در جهت کسب حداقل‌های معیشتی، با قدرت چانه‌زنی بالای خود در زمینه کاهش مالیات‌ها، به کاهش قدرت دولت‌ها جهت حمایت‌های لازم از نیروی کار، منجر می‌شود. همچنین کاهش حمایت‌های اجتماعی، فقر درآمدی را به فقر قابلیت^۲ تبدیل می‌کند و پیامد آن استمرار و تشدید در فقر و نابرابری است.

ناجی و دادگر (۱۳۸۳) در پژوهشی ضمن معرفی و بررسی شاخص‌های ترکیبی و غیرترکیبی جهانی شدن، فرایند جهانی شدن با شاخص‌های مزبور مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهانی شدن برای یک اقتصاد نیمه دولتی کار ساده‌ای نیست و در صورت ورود به عرصه جهانی شدن، ایران ممکن است با



مشکلات فراوانی در عرصه رقابت با محصولات خارجی روبرو شود و همزمان افزایش فقر و بیکاری و فشار بر قشر آسیب‌پذیر نیز حداقل در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر است.

شوشتریان (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر آزادسازی بر فقر در ایران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که با وقوع آزادسازی، میزان فقر در جامعه افزایش و رفاه اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت که کاهش رفاه اجتماعی و افزایش فقر در مناطق روستایی اضافه خواهد شد.

رحیمی و کلانتری (۱۳۷۹) آثار حذف یارانه کالاهای روغن نباتی، گندم، قند و شکر و چای را مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان می‌دهد که با حذف یارانه کالای اساسی، حدود ۹ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و حدود ۲ درصد به تعداد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی اضافه شده است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. جهانی شدن

پراتسون جهانی شدن را پدیده‌های چند وجهی تعریف کرده است به گونه‌ای که به بافت‌های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و محیط زیست راه پیدا کرده است (Mojtahed zadeh: 2000: 346)

صندوق بین‌المللی پول^۱ جهانی شدن را به صورت وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده کشورهای سر تا سر جهان به واسطه افزایش حجم و تنوع معاملات فرامرزی کالاها و خدمات و همچنین جریان بین‌المللی سرمایه و انتشار وسیع تر تکنولوژی تعریف می‌نماید. این پدیده تا حد زیادی متأثر از موج جهانی سراسری آزادسازی اقتصادی، کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای تجارت بین‌الملل، تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مقررات زدایی بازارهای مالی بوده است (IMF, 1997). بعد سیاسی جهانی شدن، کاهش نقش دولت-ملت‌ها و افزایش نقش و اقتدار شرکت‌ها و سازمان‌های فراملی است. در سیاست جهانی، دولت‌های ملی به تدریج کنترل، مدیریت و اختیارات خود را از دست داده و نظارت آنها بر نیروهای داخلی کم‌رنگ می‌شود. عامل این تحقق جهانی شدن در عرصه سیاست خود دولت‌ها هستند که از طریق پیوستن ارادی به شبکه‌ها و سازمان‌های فراملی و به‌ویژه سازمان تجارت جهانی، مبادرت به تضعیف درونی خود می‌کنند. بعد اجتماعی گسترش سریع مهاجرت‌ها و صنعت توریسم، جهانی شدن الگوهای زندگی و مسائل مشترک جهانی، همگی از نمادهای جهانی شدن اجتماعی محسوب می‌شوند (Afrough, 2004: 84). در جهانی شدن اقتصاد سه فرایند مشاهده می‌شود: انتقال کالا، انتقال خدمات و انتقال سرمایه. فرایند جهانی شدن باعث خواهد شد کالا، خدمات و سرمایه به سرعت از مرزهای ملی گذشته و تحولاتی در داخل دولت‌های مستقل به وجود آورد. جهانی شدن



تجارت، اولین نمود جهانی شدن اقتصاد است. به طور کلی جهانی شدن شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

۲-۲. فقر و ابعاد آن

اگرچه پدیده‌ی فقر دارای ابعاد مختلفی از جمله فقر آموزشی، بهداشتی، درآمدی و است اما در بیشتر مطالعات تنها جنبه‌ی مصرفی یا درآمدی آن در نظر گرفته می‌شود، زیرا سایر جنبه‌های فقر به طور مستقیم با آن در ارتباط هستند، به عبارتی دیگر، فقر را به عنوان کمبود درآمد یا مصرف در برآورده ساختن نیازهای اساسی تعریف می‌کنند (McCulloch, 2003: 252). سن^۱ در سال ۱۹۸۱ اشاره کرده است که فقر را باید به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت و نه صرفاً پایین بودن درآمدها که ضابطه متعارف شناسایی فقر است. البته محرومیت، خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، تعاریف متفاوتی داشته باشد. آنچه که چشم انداز قابلیت در تحلیل فقر انجام می‌دهد این است که درک ما را از ماهیت و علل فقر و محرومیت گسترش می‌دهد. بوت و روانتری^۲ در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استانداردهای زندگی تعریف شده است و لذا بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به ناهمبندی در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. به منظور دستیابی به عمق ناهمبندی در توزیع درآمد بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و در طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است.

۲-۳. جهانی شدن اقتصادی و فقر

یکی از مباحث مهم جهانی شدن، پیامدها و مخاطرات این پدیده است. در این چارچوب، مباحث مربوط به فقر و ناهمبندی توجه صاحب‌نظران جهانی شدن را به خود جلب کرده است. در نتیجه، دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه در این زمینه ارائه شده است. برخی از اقتصاددانان نسبت به جهانی شدن اقتصاد خوش‌بین هستند، زیرا آنها ارزش زیادی برای کارایی مثبت جهانی شدن و اقتصاد قائل هستند. به نظر آنها، هر چه مقیاس بازار جهانی شده تر باشد، تخصیص منابع نیز مؤثرتر خواهد بود تعرفه‌های پایین‌تر به کنترل و پایین نگه‌داشتن تورم و

1. Amartiya Kumar Sen.(981) 2. Booth & Rowntree (1901)



افزایش رقابت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی تکنولوژی، نوآوری و مهارت‌های مدیریتی را با خود به ارمغان می‌آورد. مشاغل جدید برای پاسخ‌گویی به بازارهای جهانی پدید می‌آیند. بیکاری صرفاً در بخش‌های ناکارآمد اتفاق می‌افتد. مطابق این دیدگاه، شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهند اقتصادهای بازار آزاد دو برابر بیشتر از اقتصادهای بسته رشد کرده‌اند. قبلاً در طول تاریخ، اغلب مردم در بیشتر کشورهای افزایش واقعی درآمدهای خود را تجربه نکرده بودند. رشد علم و دانش، اشاعه دموکراسی و حقوق بشر، کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی از مزایای جهانی شدن هستند. در سال‌های اخیر، مرحله گسترش جهانی شدن به بهترین وضع رسیده و تعداد افرادی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند، کاهش یافته است. شاخص‌های بهداشت جهانی مانند نرخ مرگ‌ومیر کودکان و کاهش طول عمر نیز به طور مداوم در همه جای دنیا بهبود یافته‌اند. از سوی دیگر فقر، گرسنگی، افزایش جمعیت، بیکاری و شیوع بیماری‌های واگیردار، بین‌المللی شدن تروریسم، تجارت مواد مخدر، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تقویت بنیادگرایی دینی و قومی، جنگ‌های داخلی، مسائل زیست‌محیطی نظیر گرم شدن روزافزون زمین و مسئله مهاجرت و..... از پیامدهای منفی جهانی شدن است (Frost, 2001: 91).

مطابق دیدگاه بدبینانه، جهانی شدن عبارت از فرآیندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان‌ها است. این نابرابری و عدم توازن به قطب‌بندی کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر از یک طرف و از سوی دیگر گروه‌های ثروتمند و فقیر در داخل کشورها منجر می‌گردد. در این فرایند، منابع سرمایه‌گذاری، رشد و تکنولوژی مدرن در معدودی از کشورهای صنعتی متمرکز هستند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از این فرایند محروم مانده و یا به صورت فرعی و حاشی‌های در آن شرکت می‌کنند که اغلب در تضاد با منافع آنها است. منتقدان جهانی شدن اغلب ادعا کرده‌اند که این پدیده موجب تداوم و حتی تشدید بی‌عدالتی در روابط میان کشورهای شده است. برای کشورهای فقیر، جهانی شدن به معنای بحران‌های مالی و اقتصادی، تأثیرات فلاکت‌بار تعدیل ساختاری در اثر برنامه‌های تحمیل شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، مشکلات زیست‌محیطی بدون منافع اقتصادی و یکسان‌سازی فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است و اقتصاد ادغام‌شده در بازارهای جهانی به مراتب بیش از اقتصاد نیمه بسته، در معرض شوک‌های خارجی است (Schulte, 2004: 297).

۲-۴. جهانی شدن اجتماعی و فقر

در بعد اجتماعی جهانی شدن حکایت از تبدیل شدن روستاها به شهرها و تبدیل شهرها به کلان شهرها دارد. به بیان دیگر روند جهانی شدن، پدیده کلان شهرها را ایجاد کرده که خود این پدیده در مسیر تحولات هزاره سوم دارای چالش‌ها و بحران‌های جدی از جمله افزایش فقر در شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، گسترش زاغه نشینی و مسکن‌های غیر قانونی، سیستم حمل و نقل ناکافی، بیگانگی شهروندان، رقابت شغلی و اقتصادی نابرابر، ویرانی محیط زیست، تراکم جمعیت و بحران‌های اجتماعی از جمله



مواد مخدر و ... می‌شود. از سوی دیگر، انتخاب مناطق مستعد و توسعه یافته‌تر برای مکان‌گزینی فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران خارجی، موجب تشدید عدم تعادل در توسعه مناطق و فقر می‌گردد. ضعف اقتدار دولت‌ها که از نتایج این فرآیند است توان اجرایی آنها را برای حمایت از طبقات کم‌درآمد و مناطق محروم تضعیف می‌سازد و بدین ترتیب نابرابری‌های اجتماعی، عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فقر از این جهت توسط جهانی شدن اجتماعی تشدید می‌شوند. همچنین، بدون شک جهانی شدن بر محیط زیست اثر می‌گذارد. بین موافقین و مخالفین، دو دیدگاه اصلی حاکم است. از نظر موافقان جهانی شدن باعث سرریز سرمایه و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌شود هرچه رشد اقتصادی بیشتر شود، فقر نیز کاهش می‌یابد و با بهبود کیفیت زندگی مردم، کیفیت محیط زیست هم بهبود یافته و تقاضا برای وضعیت مطلوب زیست محیطی افزایش می‌یابد. رشد اقتصادی در ابتدا به محیط زیست در کشورهای فقیر صدمه می‌زند؛ اما به مرور با بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر، خود افراد به پاک کردن آلودگی‌هایی که به بار آورده‌اند تمایل پیدا می‌کنند. از نظر مخالفان به دنبال افزایش رشد اقتصادی، هرگونه بهبود ایجاد شده در وضعیت محیط زیست، خنثی می‌شود. مخالفان، جهانی شدن را به مصرف بی‌رویه و نسنجیده منابع متهم می‌کنند (Alam, 2010: 112). فقر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب تنزل کیفیت محیط زیست، تخریب جنگل‌ها و آسیب‌رسانی به منابع طبیعی شده است. یکی از صاحب‌نظران معتقد است که فقرا، اقلیت‌های نژادی، مهاجران و پناهندگان از عوامل عمده تخریب محیط زیست هستند (Booming nations, 2006: 65).

همچنین، ارتباطات و اینترنت به عنوان یکی از آثار جهانی شدن اجتماعی باعث شده است تا شکاف میان کشورهای غنی و فقیر کمتر شود و این روند در دهه‌های جاری تسریع می‌شود. البته اثر آن به اقتصاد محدود نمی‌شود و در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگ نیز نتایجی به بار آورده است که تاکنون سابقه نداشته است. سلسله مراتب اقتدار و لایه لایه شدن جامعه بر اثر آن، که از عوامل اصلی تبعیض‌ها و توزیع نامتناسب دانش و معلومات (از طریق شکستن محدودیت‌های جغرافیایی) به شمار می‌رفت، اکنون از طریق رسانه‌های جهانی و اینترنت شکسته شده است و انسانی که تاکنون در کشور و پایتخت خود بیگانه و نادیده گرفته شده بود با شبکه‌های اطلاعاتی وسیع در دورافتاده‌ترین نقاط جهان می‌تواند از اطلاعات کل جهان آگاه شود. تبادل اطلاعات در حیطه تکنولوژی منجر به انتقال تکنولوژی می‌گردد که از این طریق بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی افزایش یافته بنابراین منجر به کاهش فقر می‌شود (James, 2000: 45).

همچنین، روند جهانی شدن سبب شده است تا بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی از مرزهای ملی فراتر رفته و به مشکلاتی جهانی تبدیل شوند. مشکل تروریسم، ایدز، رشد سریع و گسترده فعالیت‌های غیر قانونی فرامزی، پیدایش و رشد گسترده باندهای بین‌المللی قاچاق، فحشا و سایر فعالیت‌های غیر قانونی از جمله مشکلات جهانی می‌باشند که این مشکلات باعث کاهش رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند و این مسئله می‌تواند منجر به افزایش فقر گردد (Zamani, 2001: 85) علاوه بر این، جهانی شدن موجب بسیاری



تحولات اجتماعی شده است. در جوامعی که زمانی محدود و بسته بودند، باعث سرنگونی دیکتاتورهای بسیاری شده است و دموکراسی را به ارمغان آورده است. اما همزمان عواقب منفی و تاوان‌هایی نیز به بار آورده است که از جمله باید به نابودی برخی فرهنگ‌های بومی و گوناگونی‌های آنها، آسیب‌پذیری بیشتر جوامع فقیر و کمتر توسعه یافته در مقابل بحران‌های آن و نبردهای جدید فرهنگی اشاره کرد (Zamani, 2001: 86). همچنین جهانی شدن موجب فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه شده است. فرصت‌هایی که در کشورهای پیشرفته موجود است استعدادها را از کشورهای فقیر به سوی خود می‌کشاند و بر این کشورها هزینه‌های بسیاری تحمیل می‌کند. که تمامی این عوامل می‌تواند بر میزان فقر و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه اثر گذار باشند.

۲-۵. جهانی شدن سیاسی و فقر

جهانی شدن سیاسی باعث توسعه سیاسی در کشورهای در حال توسعه شده است. جهانی شدن چند قطبی می‌تواند به توسعه و تکامل اجتماعی و سیاسی کمک کند و از این طریق دموکراتیزاسیون اجتماعی را رشد و گسترش خواهد بخشید و موجب کاهش انگیزه‌های تعارض و همچنین رشد اقتصادی می‌شود و از این طریق موجب کاهش فقر خواهد شد (Samir, 2001: 68). و از طرف دیگر باعث کاهش اهمیت مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی و محدود تر شدن حیطه اختیارات و قدرت دولت‌های ملی شده است. در زمینه اقتصاد سیاسی، روند جهانی شدن موجب کاهش فضای سیاست‌گذاری دولت در زمینه امور اقتصادی شده است، به این معنی که اکنون دولت‌ها از آزادی عمل کمتری در انتخاب سیاست‌های اقتصادی خود برخوردار می‌باشند. در یک الگوی نظری این روند می‌تواند به پایان جغرافیا، فروپاشی دولت-ملت‌ها و پیدایش جهانی فارغ از تقسیمات جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منجر گردد و همچنین باعث می‌شود که همه کشورها در سیاست‌گذاری‌هایی که بر آنها تاثیر می‌گذارد نقش داشته باشند، این مسئله ممکن است که اقتصاد جهانی جدید به وجود آید که در آن رشد نه فقط پایدار تر و آسیب‌ناپذیرتر است، بلکه ثمرات این رشد به نحوی عادلانه تر میان همه تقسیم شود. بنابراین، از این طریق بر میزان فقر تاثیر می‌گذارد (Stiglitz, 2003:28). بنابراین، جهانی شدن نه تنها موجب افزایش فقر و توسعه نیافتگی نمی‌شود بلکه راه‌حل‌های اصلی برای کاهش فقر، توسعه سیاسی و توسعه نیافتگی نیز است. به نظر صاحب‌ظران جهانی شدن به جای اینکه مانع توسعه باشد و فقر را افزایش دهد موجب بهبود چشم اندازه‌های توسعه دولت‌ها می‌شود و به کاهش فقر در جهان کمک می‌کند. و همچنین نشان می‌دهند که جهانی شدن اقتصاد تنها راه واقعی کاهش فقر جهانی است و در عین حال بر دموکراسی‌سازی یا مردمی‌سازی حکومت در جهان برای توسعه سیاسی کشورهای در حال توسعه تاکید می‌نماید (Stiglitz, 2003:28).



علاوه بر این دولت‌های کشورهای صنعتی برای محصولات کشاورزی خود به دلیل سیاسی یارانه می‌پردازند و از این راه رقابت را برای کشورهای در حال توسعه، دشوار می‌کنند، در حالی که به کشورهای در حال توسعه فشار می‌آورند تا یارانه محصولات صنعتی خود را حذف کنند. نگاهی به رابطه مبادله (که عبارت است از نسبت قیمت‌هایی که کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته روی محصولات خود می‌گذارند) پس از موافقت نامه تجاری سال ۱۹۹۵ روشن می‌نماید که تاثیر خالص این امر، کاهش بها کالاهای برخی از کشورهای فقیر است در قیاس با آنچه بابت وارداتشان می‌پردازند. نتیجه این شده که بعضی از فقیرترین کشورهای جهان در اثر این سیاست‌ها عملاً وضع بدتری پیدا کرده اند (Stiglitz, 2003:29).

همچنین، در قلمرو سیاسی به نظر برخی از صاحب‌نظران، جهانی شدن موجب ظهور مراکز تصمیم‌گیری جهانی نامرئی شده و به تهدید کشورهای ضعیف پرداخته است.

۳. نتایج پژوهش

۳-۱. شاخص جهانی شدن KOF

شاخص KOF اولین بار در سال (۲۰۰۲) معرفی شده، به روزرسانی و ارائه جزئیات آن توسط دهر^۱، گاستون و مارتن^۲ صورت گرفته است. شاخص کل سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی شدن را پوشش می‌دهد. در آن جهانی شدن به عنوان پروسه‌ای که در آن مرزهای ملی کمرنگ می‌شود، اقتصادها، فرهنگ‌ها، تکنولوژی‌ها یکپارچه گردد و روابط پیچیده‌ای از وابستگی‌های متقابل ایجاد می‌شود، عنوان شده است. سهم KOF اقتصادی ۳۶ درصد، اجتماعی ۳۷ درصد و سیاسی ۲۶ درصد است که KOF اقتصادی شامل ۵۰ درصد جریان واقعی و ۵۰ درصد محدودیت هست که جریان واقعی شامل ۲۱ درصد تجارت، ۲۸ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۲۴ درصد سرمایه‌گذاری پرتفولیو و ۲۷ درصد درآمد پرداختی به اتباع خارجی است. محدودیت نیز شامل ۲۴ درصد موانع پنهان واردات، ۲۷ درصد متوسط نرخ تعرفه، ۲۶ مالیات بر تجارت بین‌المللی، ۲۳ درصد محدودیت حساب سرمایه می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری و پیشنهاد مطالعات انجام شده مدل‌های مورد استفاده در این تحقیق به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فقر در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین به صورت زیر هستند:

$$PG = C + \alpha_1 KOF_E + \alpha_2 KOF_S + \alpha_3 KOF_P + \beta_1 LFDI + \beta_2 GDPG + \beta_3 LTOU + \beta_4 IN + \beta_5 USI + \beta_6 TA + \beta_7 PHR + \varepsilon_i$$

1. Dreher(2006)

2. Noel Gaston & Pim Martens(2008).



که در این مدل‌ها PG شاخص فقر، KOFE شاخص جهانی‌شدن اقتصادی، KOFS شاخص جهانی‌شدن اجتماعی، KOFI شاخص جهانی‌شدن سیاسی، GDPG رشد تولید ناخالص داخلی، FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، TOU توریسم بین‌المللی، IN تورم، HU سرمایه انسانی که در اینجا از پروکسی نرخ سواد استفاده شده است، TA نرخ تعرفه، SUI کاربران اینترنتی، PHR کارکنان فقیر نسبت به کل جمعیت، ϵ_i یک متغیر تصادفی است که اثر سایر عواملی را که بر روی شاخص فقر تأثیر می‌گذارند ولی در اینجا در نظر گرفته نشده است.

۲-۳. برآورد مدل

برای تخمین مدل ابتدا کشورها را به دودسته با درآمد بالاتر از متوسط و پایین‌تر از متوسط با توجه به طبقه‌بندی بانک جهانی تقسیم‌بندی شده‌اند این مسئله به دلیل اثر متفاوت جهانی‌شدن و ابعاد آن در کشورهای با درآمدهای مختلف بوده است. سپس آزمون F لیمر برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین انجام شده است. نتایج نشان می‌دهند فرضیه صفر برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین در هر چهار مدل رد می‌شود. بنابراین، برای تخمین مدل می‌توان از روش پانل دیتا استفاده کرد. آزمون‌ها سمن به منظور تعیین روش اثرات ثابت یا تصادفی برای برآورد مدل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل پذیرفته شود، روش اثرات ثابت سازگار و روش اثرات تصادفی ناسازگار است. و مدل به روش اثرات ثابت برآورد شود. آماره‌ها سمن دارای توزیع کای دو است که در صورتی که احتمال آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد در سطح ۰/۹۵ اطمینان فرضیه صفر رد و بیانگر این است که مدل دارای اثرات ثابت است در غیر این صورت اثرات تصادفی هستند. نتایج آزمون F در جدول (۱) آورده شده است:

جدول ۱. نتایج آزمون F برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین

انواع مدل	کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین تر از میانگین		کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین تر از میانگین	
	مقدار F	Prob	مقدار F	Prob
مدل ۱	۲۰/۱۰	۰/۰۰۰	۲۴/۶۱	۰/۰۰۰
مدل ۲	۱۶۵/۰۹	۰/۰۰۶	۲۲/۳۰	۰/۰۰۰
مدل ۳	۲۳/۹۸	۰/۰۰۰	۲۲/۱۶	۰/۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. نتایج آزمون‌ها سمن برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین

کشورها انواع مدل	کشورها با درآمد بالاتر از میانگین	کشورها با درآمد پایین‌تر از میانگین
	Prob	Prob
مدل ۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
مدل ۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مدل ۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۲) رگرسیون با اثرات ثابت برای دو مدل کشورهای در حال توسعه با درآمد بالا و یک مدل از کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین برآورد می‌شود. در کشورها با درآمد پایین‌تر از میانگین برای هر دو مدل و در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین یک مدل با اثر تصادفی برآورد می‌شود.

نتایج تخمین رگرسیون در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و درآمد پایین‌تر از میانگین در جدول (۳) و (۴) ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج تخمین مدل‌ها برای کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین

انواع مدل ضریب	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
LFDI	۰/۵۹ ۰/۰۳*	۲/۲۳ ۰/۰۰۰*	۲/۰۰۸ ۰/۰۰۳*
GDPG	-۰/۰۸ ۰/۰۳*	-۰/۳۱ ۰/۰۰۲*	-۰/۲ ۰/۰۱*
LTOU	-۱/۱۵ ۰/۰۰۴*	-۰/۰۲۴ ۰/۷***	۰/۸۱ ۰/۰۱*
IN	-۰/۰۱ ۰/۰۰۰۲*	-۰/۰۹ ۰/۰۰۰۱*	-۰/۰۶ ۰/۰۲*
HU	-	-۰/۴۱ ۰/۰۰۶*	-۰/۰۵ ۰/۱***



TA	۰/۰۷ ۰/۲***	۱/۶ ۰/۰۰۱*	۰/۵۱ ۰/۰۰۱*
USI	-۰/۰۱ ۰/۶***	-۰/۲ ۰/۰۰۰*	-۰/۰۲۵ ۰/۰۰۰۸*
Phr	۰/۳ ۰/۰۰۰*	۰/۱۱ ۰/۰۰۰*	۰/۰۹ ۰/۰۰۳*
KOF E	-۰/۰۵ ۰/۰۶**	-	-
KOF S	-	-۰/۳۵ ۰/۰۰۲*	-
KOF P	-	-	۰/۰۲ ۰/۰۶**
C	۱۴/۱۶ ۰/۰۹*	۱۸/۴۷ ۰/۳***	۴۸/۰۸ ۰/۰۰۴*
R ²	۰/۷۳	۰/۹۹	۰/۹۹
Number of countries	۵۲	۵۲	۵۲

منبع: یافته‌های پژوهش

* در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد، معنادار است.

** این ضرایب سطح اطمینان ۰/۰۵ تا ۰/۱ است

*** ضرایب معنی دار نیستند

جدول ۴. نتایج تخمین مدل‌ها برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین

ضریب	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
انواع مدل			
LFDI	-۰/۲۱ ۰/۱***	-۰/۲۰ ۰/۱**	-۰/۲۵ ۰/۰۵*
GDPG	۰/۰۲۲ ۰/۴***	۰/۰۰۳ ۰/۸**	۰/۰۰۳ ۰/۹***
LTOU	۱/۵۶ ۰/۰۰۰*	۱/۳۲ /۰۰۰*	۱/۴ ۰/۰۰۰*

IN	۰/۰۴ ۰/۰۲*	۰/۰۶ ۰/۰۰۸*	۰/۰۵ ۰/۰۲*
HU	۰/۰۰۱۵ ۰/۹***	۰/۰۳۵ ۰/۷***	۰/۰۵ ۰/۵***
TA	-۰/۱ ۰/۰۰۰۴*	-۰/۰۸ ۰/۰۰۲۳*	-۰/۰۸ ۰/۰۵*
USI	-۰/۳۴ ۰/۰۰۳۸*	-۰/۳۳ ۰/۰۱**	-۰/۰۳۸ ۰/۰۰۲**
Phr	۰/۵۰ ۰/۰۰۰*	۰/۴۸ ۰/۰۰۰*	۰/۴۷ ۰/۰۰۰*
KOF E	-۰/۰۳ ۰/۰۷**	-	-
KOF S	-	۰/۷۳ ۰/۵***	-
KOF P	-	-	۰/۰۱ ۰/۴***
C	-۲۶/۶۸ ۰/۱*	-۲۹/۷۵ ۰/۰۰۴*	-۲۹/۸۹ ۰/۰۰۲۱*
R^2	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸
Number of countries	۵۷	۵۷	۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

* در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد، معنادار است.

** این ضرایب سطح اطمینان ۰/۰۵ تا ۰/۱ است.

*** ضرایب معنی دار نیستند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده ضریب FDI (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین مثبت و معنی‌دار است. در صورت جذب FDI بدون نظارت و سیاست‌گذاری‌های صحیح منجر به دوقطبی شدن دستمزدها در اقتصاد از طریق افزایش دستمزد کارگران در بخش از تولید می‌شود و همچنین سبب انحراف به سمت تولید کالاهای لوکس و گران می‌شود با توجه به اینکه کشورهای با درآمد پایین کنترل چندانی نمی‌توانند بر مدیریت FDI ورودی داشته باشند این امر امکان‌پذیر است. و در



کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین منفی و معنی‌دار است بدین معنا که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فقر کاهش می‌یابد. از آنجایی که همواره کشورهای درحال توسعه با مشکل کمبود سرمایه روبرو بوده‌اند ورود سرمایه از کشورهای توسعه‌یافته باعث افزایش موجودی سرمایه در کشورهای درحال توسعه می‌شود که این امر بر افزایش بهره‌وری نیروی کار و عایدی آنها و همچنین زمینه اشتغال حجم زیادی از نیروی کار موجود در این کشورها را فراهم می‌کند و بدین گونه افزایش سرمایه‌گذاری باعث کاهش فقر در کشورهای درحال توسعه می‌شود. ضریب GDP در کشورهای درحال توسعه با درآمد پایین‌تر منفی و معنی‌دار است و در کشورهای با درآمد بالاتر از میانگین بی معنی است. درحال توسعه ب. افزایش GDP باعث بالا رفتن درآمد سرانه می‌شود، و از این طریق باعث کاهش فقر می‌شود. ضریب TOU (توریسم بین‌الملل) در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین منفی است که بیانگر این است که با فرض ثابت بودن سایر شرایط با افزایش شاخص توریسم بین‌الملل فقر کاهش می‌یابد. گردشگری فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد می‌کند و از این طریق می‌تواند فقر را کاهش دهد. و در کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین مثبت و معنی‌دار است. توجه به این صنعت به تازگی شکل گرفته است و احتمالاً در این گروه از کشورهای مورد مطالعه هنوز برنامه لازم جهت استفاده از درآمدهای ایجاد شده این صنعت، در بهبود وضعیت فقرا صورت نگرفته است و درآمدهای حاصل از این صنعت بیشتر به نفع افراد ثروتمند جامعه بوده است. ضریب IN (تورم) در کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین مثبت و معنی‌دار است. افزایش تورم شدید به افرادی که درآمد اسمی ثابت دارند به شدت صدمه می‌زند و از قدرت خرید واقعی آنها می‌کاهد و به افرادی که دارای ذخایر دارایی‌های ثابت سود می‌رساند. از آنجا که معمولاً تعداد افرادی که درآمدی ثابت دارند از تعداد سرمایه‌داران و صاحبان تولید بیشتر است، بنابراین افزایش تورم از این طریق باعث افزایش فقر می‌شود. و همچنین تورم باعث کاهش سطح رفاه مردم و ایجاد عدم ثبات سیاسی در کشورها می‌شود. و در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین منفی و معنادار است هنگامی که نرخ تورم افزایش می‌یابد ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی کاهش می‌یابد. بنابراین توزیع مجدد درآمد از بستانکاران به بدهکاران صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، بدهکاران از تورم نفع می‌برند، زیرا دیونی را پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آنها کاهش یافته است. از آنجا که فقرا معمولاً به طور متوسط بدهکار خالص هستند، افزایش تورم از این کانال به طور متوسط به نفع فقرا بوده و نابرابری را کاهش می‌دهد. ضریب HU (سرمایه انسانی) در کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین بی معنی و در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین با فرض ثابت بودن سایر شرایط منفی و معنی‌دار است. زیرا با افزایش سواد بهره‌وری و تولید ن‌هایی نیروی کار افزایش می‌یابد. تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد و از این طریق باعث کاهش فقر می‌شود. ضریب TA (نرخ تعرفه) در کشورهای درحال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین مثبت و معنی‌دار است که بیانگر این است که با افزایش نرخ تعرفه میزان فقر افزایش می‌یابد. افزایش تعرفه موجب صدور محصول کشور درحال توسعه به کشور پیشرفته با مشکل روبرو شده، مقدار صادرات آنها کم



شده، درآمد کمتری کسب کرده و نهایتاً درآمد ارزی آنها کاهش یابد. و از این طریق می‌تواند باعث افزایش فقر شود. و در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین منفی و معنی دار است. آزاد سازی تجاری می‌تواند از راه رشد بهره‌وری عوامل تولید و ایجاد اشتغال موجب فقر گردد. ساضریب USI (کاربران اینترنتی) در کشورهای با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین منفی و معنی دار است. افرادی که به دلیل مسافت‌های طولانی و یا هزینه بالای برخی امکانات، امکان دسترسی به آموزش را ندارند، از طریق اینترنت می‌توانند به راحتی و با کمترین هزینه ممکن سطح آگاهی و معلومات خود را افزایش دهند. چنین روشی حتی باعث ایجاد مشاغل خانگی و کارآفرینی برای افراد شود. ضریب PHR (کارکنان فقیر نسبت به کل جمعیت) در کشورهای با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین مثبت و معنی دار است. فقدان یا کاهش شدید درآمد و عدم امکان اشتغال باعث کاهش کیفیت زندگی، قدرت، توان جسمی و فکری افراد، ابتلا به امراض و آسیب‌های اجتماعی می‌شود و در نهایت دسترسی کمتر به نیازهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک، آموزش و درمان ... می‌شود.

ضریب KOFE (شاخص جهانی شدن اقتصادی) در کشورهای با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین منفی و معنی دار است. شاخص جهانی شدن می‌تواند ناشی از افزایش صادرات، یا افزایش واردات و یا افزایش توام هر دو متغیر باشد. اگر افزایش این شاخص ناشی از افزایش صادرات باشد. بنابراین، اشتغال افزایش می‌یابد و از این طریق باعث کاهش فقر می‌شود. اما اگر ناشی از افزایش واردات باشد منجر به افزایش تورم و به دنبال آن افزایش فقر می‌شود. بنابراین جهانی شدن اقتصاد از کانال تورم، فقر را افزایش و از کانال بیکاری فقر را کاهش می‌دهد. و همچنین جهانی شدن باعث ورود تکنولوژی به کشورها می‌شود و این خود باعث افزایش بهره‌وری، اشتغال و تعداد بنگاه‌های داخلی می‌شود و از این طریق باعث کاهش فقر می‌شود. به نظر می‌رسد که کشورهای مورد مطالعه با توجه به موقعیت اقتصادی خود از طریق کانال صادرات موجب کاهش فقر در کشورهای خود شده‌اند. و همچنین تحوّل در حمل‌ونقل و شبکه‌ی ارتباطات باعث کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل شده است که این خود GDP را افزایش می‌دهد. و از این طریق هم می‌تواند فقر را کاهش دهد. رسانه‌های ارتباطی، همچون رایانه و تلفن، جایگاه برجسته‌های در اقتصاد و تجارت جهانی دارند و زمینه تجارت فراملی را فراهم می‌آورند

ضریب KOF5 (شاخص جهانی شدن اجتماعی) در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین منفی و معنی دار و در کشورهای با درآمد بالاتر از میانگین بی معنی است. دلیل اینکه با فقر رابطه منفی دارد می‌تواند این باشد که سرویس‌های ارتباطی مثل اینترنت که باعث افزایش ارتباطات مردمی و فعالیت‌های اقتصادی و آسان‌تر شدن معاملات شده است بنابراین هزینه‌ها کاهش یافته است که به این دلیل می‌تواند باعث کاهش فقر شود.

ضریب KOF6 (شاخص جهانی شدن سیاسی) در کشورهای با درآمد بالاتر از میانگین معنی دار نیست. دولت‌های عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی درحالی‌که برای آزادسازی در جنوب موعظه می‌کنند، خود



یارانه‌های متعدد و سایر انواع مداخله در بازار را به کار بسته‌اند که به حفظ و گسترش برتری آنها بر کشورهای فقیر کمک کرده است. در نتیجه جهانی‌سازی موجب تشدید فرایند قطبی شدن جهان شده و فاصله بین شمال و جنوب هر روز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود. حتی در مقیاس جهانی نیز هزینه‌هایی که جهانی‌شدن به دنبال داشته است هزینه‌های درخور توجهی هستند. بهایی که بابت آن پرداخت شده بیش از منافع آن بوده، چراکه به محیط‌زیست صدمه زده، فرایندهای سیاسی به فساد کشیده شده و سرعت تغییرات، فرصت لازم برای تطابق فرهنگی را در اختیار کشورها نگذاشته است. همچنین، بحران‌هایی که سبب بیکاری‌های وسیع شده به نوبه خود مسائل بلندمدت‌تری مثل فروپاشی اجتماعی را به دنبال داشته است. شاخص سیاسی در کشورها با درآمد پایین‌تر از میانگین منفی و معنی‌دار است به عبارت دیگر با فرض ثابت بودن سایر شرایط بین متغیر مذکور و فقر رابطه معکوس وجود دارد که علت آن را می‌تواند در معاهده‌های بین‌المللی که در این کشورها انجام می‌شود جست‌وجو کرد که می‌تواند باعث اصلاحات سیاسی در این‌گونه کشورها می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

ابعاد جهانی‌شدن می‌تواند بسته به ساختار کشورها اثرات مثبت یا منفی بر فقر داشته باشد. جهانی‌شدن موجب افزایش حجم و تنوع مبادلات کالاها و خدمات و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی، تسریع انتقال تکنولوژی، بهبود ارتباطات، توسعه دموکراسی و آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی و ... می‌شود. و از این طریق بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه موثر است. در این پژوهش به اثر جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فقر در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جهانی‌شدن در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین بر فقر اثرگذار بوده به طوری که جهانی‌شدن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین اثر منفی و معنی‌داری بر افزایش فقر دارد. جهانی‌شدن اجتماعی و سیاسی در کشورهای با درآمد بالاتر اثر معنی‌داری بر فقر ندارد، ولی جهانی‌شدن اقتصادی اثر منفی و معنی‌دار بر افزایش فقر داشته است. متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ تعرفه در کشورهای درآمد بالا، کاربران اینترنتی در هر دو گروه از کشورها، توریسم بین‌المللی در کشورهای درآمد پایین، سرمایه انسانی، تورم و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای درآمد پایین منفی و معنی‌دار است. و متغیرهای تورم در کشورهای درآمد بالا، نرخ تعرفه در کشورهای درآمد پایین و نسبت کارکنان فقیر به کل جمعیت در هر دو گروه از کشورها اثر مثبت و معنی‌داری دارند.



منابع

- اکبریان، رضا. زارع حقیقی، نغمه. (۱۳۹۰)، *بررسی باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر. فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۸(۲). ص ۵۰-۲۵
- البرو، مارتین. (۱۳۸۰)، *عصر جهانی*. ترجمه نادر سالار زاده امیری. انتشارات آزاداندیشان.
- استیگلیتز، جوزف. (۱۳۸۲). *به سوی پارادایم جدید توسعه*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۹۷/۱۹۸، تهران، موسسه اطلاعات، ص ۲۸
- افروغ، عماد. (۱۳۸۷)، *ما و جهانی شدن*، تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۲۵.
- امین، سمیر. (۱۳۸۰). *امپریالیسم و جهانی شدن*. ترجمه ناصر زرافشان. کتاب جهانی شدن با کدام هدف. تهران، آگه. ص ۶۸
- پیتر مارتین، هانس و شومن، هارلد. (۱۳۸۱)، *دام جهانی شدن*. ترجمه حمیدرضا شهمیرزادی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خور، مارتین. (۱۳۸۳)، *جهانی شدن و جنوب*. ترجمه احمد ساعی. تهران: نشر قومس.
- رحیمی، عباس و کلانتری، عباس. (۱۳۷۹). *بررسی اقتصادی یارانه*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ سوم.
- زمانی، هادی. (۱۳۸۴). *ایران: فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن*. انتشارات بال، تهران
- شوشتریان، الف. (۱۳۸۲). *بررسی آثار آزادسازی بازار گندم ایران بر روی رفاه اجتماعی و فقر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز، دانشگاه شیراز.
- شولت، یان ارت. (۱۳۸۲). *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- فقه مجیدی، علی. علیمرادی افشار، پروین. (۱۳۹۱). *اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای منا*. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۹۰. ص ۹۲-۱۰۱
- لال، جیمز. (۱۳۷۹). *رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ*. ترجمه مجید نکودست. موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، تهران
- لوگرن، فیلیپ (۱۳۸۶)، *جهان باز: واقعیت جهانی شدن*. ترجمه فریدون دولتشاهی. تهران: اطلاعات
- مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۷۹). *هویت ملی در عصر جهانی شدن*. *مجله مطالعات ملی*، ۵. ۳۳۷-۳۴۴
- میدانی، علی اکبر و دادگر، یداله. (۱۳۸۳)، *آثار جهانی شدن تجارت بر رشد اقتصادی در ایران*. *فصلنامه مفید*، ۱۰.



میدانی، علی اکبر. کاظمی، مهیندخت و ماندانا غفوری. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر فقر با توجه به دو شاخص تورم و بیکاری. دو فصلنامه پولی و مالی، ۲، ۱۷۸-۱۳۶

واترز، مالکوم. (۱۳۷۹)، جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و مریدی. سازمان مدیریت صنعتی.

Agenor, P.R. (2002). **Does Globalization Hurt the Poor?**, The World Bank Washington DC 20433: 1-51.

Alam, S (2010), **Globalization, poverty and the environment degradation: Sustainable development in Pakistan** *Journal of Sustainable Development*, Vol. 3, No. 3, September, 101-114.

Ashish, B. (2014), **Reviving the Globalization and Poverty Debate: Effects of Real and Financial Integration on the Developing World**, *Advances in Economics and Business* 2(1): 42-57

BERGH, A. & NILSSON, T. (2014), **Is Globalization Reducing Absolute Poverty**, *World Development* Vol. 62, 42-61

Bhasin, V. & Annim, S.K. (2005), **Impact of Elimination of Trade Taxes on Poverty and Income Distribution in Ghana**, working paper.

Booming nations threaten Earth (2006), BBC News, January 12.

Booth & Rowntree. (1901). **Poverty: A Study of Town Life, London, and Macmillan.**

Dreher, A. (2006), **Does globalization affect growth? Empirical evidence from a new index of globalization**, *Appl. Econ*, 38, 1091-1110.

Dreher, A. Noel Gaston & Pim Martens, (2008), **Measuring Globalization – Gauging its Consequence**, New York: Springer.

Dreher, A. (2003), **Does Globalization Affect Growth?**, University of Mannheim, Germany.

Drieze, J. & Amartya S. (1989), **Hunger and Public Action**, Oxford: Clarendon

Eide, A. (1995), **The Right to an Adequate Standards of living including the Right to food**, In A. Eide, C. Krause and A. Rosas, eds, *Economics. Social. And Cultural Rights*. Atexbook. Dordrecht: Martinus Nijhoof.

Dorosh, P. A. & Sahn, D. E. (2000), **A General Equilibrium Analysis of the Effect of Macroeconomic Adjustment on Poverty in Africa**, *Journal of Policy Modeling*, 22(6).

Frost, E. (2001), **Globalization and National Security**, *Global Security*, fall 2001.

Hanson, Gordon H. (2005), **Globalization, Labor Income, and Poverty in Mexico**, University of California, San Diego and National Bureau of Economic Research, *La mondialisation et les pays pauvret*.

IMF, (1997), **World Economic Outlook**, Washington, D.C.

James, Slevin, (2000). **The Internet and society**. Cambridge, Blackwell publishers.

Marcel, N. & Almas H. (2006), **Globalisation, Inequality and Poverty Relationships: A Cross Country Evidence**, University of Groningen. July 2006.



- Martin .R. Ben (2002). **Technology Foresight In Rapidly Globalizing Economy**. *Science And Technology policy Research* .Brighton.
- Mcculloch, N. & L. Winter & X. Cirera. (2003). **Trade Liberalisation and Poverty: A Handbook**. *Centre for Economic Policy Research*: 1-384.
- Nawazish, A. (1998), **Globalization, Its Impact on the Economies of OIC Countries and the Role of the Private Sector**, *Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries*, 19.
- Salvatore, D. (2007). **Growth, International Inequalities and Poverty in a Globalizing World**. *Journal of Policy Modeling*, 29: 635-641.
- Sen, Hamartia, (1981) **Poverty: An ordinal approach to measurement**, *Econometrica*, 46,437-4.
- Seshamani, V. (1999), **the Impact of Market Liberalization on Food Security in Zambia**, *Food Policy*, 23
- Schulte, J. (2004). **Critical look at the phenomenon of globalization** (Translated by Karbasian, M.) Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Pakistan: the role of Excluded variables in Poverty Change Analysis, Working Paper, Pakistan Institute of Development Economics.
- Thomas.E, weisskopf, (2008), **Capitalism, under Development and the Future of the poor countries**, In David Mermelestein, ed. op. Cit.
- Winters, L. A. (2000). **Trade, Trade Policy and Poverty: What are the links?**, Discussion Paper. No.2382.15-37.



Investigating of Impacts of Political, Social and Economic Globalization on Poverty in Developing Countries

A. Majidi¹, Z. Zarouni², S. Samadi Pour³

Received: 9 August 2015

Accepted: 29 February 2016

Globalization as an inescapable reality has different dimensions such as political, social and economic which each of these aspects can have distinct effect on poverty. This study aims to investigate the impacts of globalization on poverty in developing countries, upper and lower middle income, over the period 1990-2014 using panel data. The results show that economic, social, and political globalization and total index have negative and significant effect on increasing poverty in lower middle income countries, statistically. Also, social and total index of globalization do not have significant effect on poverty in upper middle income countries while economic globalization has negative and significant effect in these countries, statistically.

JEL Classification: F15 .L30.C23.

Key Words: *Globalization, poverty, developing countries, Panel Data.*

1 . member a faculty at the University of Kurdistan, Department of Economics

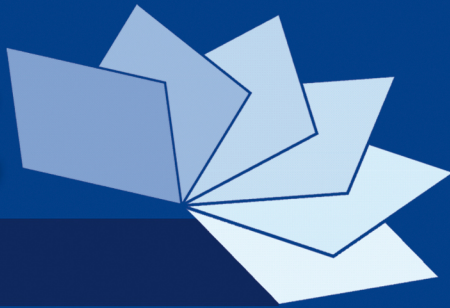
Email: a.f.majidi@gmail.com

2 . student MA at the Economic Sciences University of Kurdistan

Email: zahrazarouni@gmail.com

3 student MA at the Economic Sciences , University of Kurdistan

Email: Samadipour_0098@yahoo.com



تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش و پرورش فخرالسادات هاشمیان، هادی زندیان، جواد آقامحمدی	۱
تحلیل تطبیقی رویکردهای تصمیم گیری چندمعیاره در اولویت بندی استان های کشور بر اساس عملکرد پروژه های عمرانی در پایان برنامه چهارم توسعه علی محمدی، پیام شجاعی، زهرا اکبری، بهاره کایدان	۲۷
عوامل اثرگذار بر حفظ استعدادها و نخبگان سازمانی صنعت برق ایران در راستای تحقق سیاست های کلی «علم و فناوری» کریم شاطری، خدایار ابیلی، علی رضاییان، آرین قلی پور، شعله مرادفام	۵۱
تأثیر جهانی شدن بر فقر در کشورهای در حال توسعه علی فقه مجیدی، زهرا ضرونی، شهلا صمدی پور	۷۹
اثر تلاطم نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای عمده طرف تجاری مسعود نونژاد، فریده پرویزی کشکولی	۹۹
حکمرانی و آزادی اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای گروه D8 و G7) ابوالفضل شاه آبادی، سارا ساری گل، حمید تنهایی	۱۲۳
اثر بی ثباتی اقتصادی بر رقابت پذیری بین المللی بخش کشاورزی ایران سعید راسخی، سیده وجیهه جباری خشکرودی	۱۴۹
الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های خاورمیانه ای جدید آمریکا محمد رضا دهشیری، مجتبی غفوری	۱۷۵

1	Analysis the Participation of the Private Sector in the Education System F.Hashemian, H.Zandian, J.Aqa Mohammadi
27	Comparative Analysis Multi Criteria Decision Making Approach in Prioritizing Provinces Based on Civil Projects A. Mohammadi, P. Shojacee, Z. Akbari, B. Kayedan
51	Investigating Factors Influencing the Retention of Talents in Iranian Electric Industry in the Line of Accomplishing Science and Technology's General Policies K. SHateri, KH. Abili, A. Rezaecian, A. Qoli Pour, SH. Moradfam
79	Impacts of Political, Social and Economic Globalization on Poverty in Developing Countries A. Majidi, Z. Zaroumi, SH. Samadi Pour
99	The Effect of Exchange Rate Volatility on the None-Oil Exports of Iran to Major Trade Partners M. Nonejad, F. Parvizi
123	Governance and Economic Freedom (Case study: G7 and D8 Countries) A. Shah Abadi, S. Sari Gol, H. Tanhace
149	The Effect of Economic Instability on International Competitiveness of Iran's Agricultural Sector S. Rasekhi, S.V. Jabbari
175	Strategic Requirements of Islamic Republic of Iran towards the New Middle Eastern Policies of USA M.R. Dehshiri, M. Gafouri